

سخنران: حجت الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی؛ موضوع سخنرانی: برکت در زندگی، قسمت دوم

صداقت در گفتار

حالا من نمیخواهم بگویم اینقدر سخت نه، حالا این موضوع را خدا به بزرگواری خودش مهلت می دهد و با فضل خودش برخورد می کند اما حقیقتاً اولین مرحله صداقت، صداقت در گفتار هست؛ مرحله بعدیش که از این سخت تر هست و بسیار مهم تر هست صداقت در عمل هست من عذر میخواهم این چیزی که میخواهم بگویم هر کسی خودش را حساب کند جسارت به احدی نمی کنم تو عمل راست میگویم مسلمانیم تو عمل راست است؛ میگویم شیعه ایم ما ادعا می کنیم که اهل بیتی هستیم ما ادعا می کنیم مسلمانیم؛ اما گاهی موقع ها عملمان با ادعایمان راست در نیاید . در روایت پیغمبر فرمود: **الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ**؛ (میزان الحکمه ج ۵) مسلمان مثل گل می ماند؛ مثل تیغ نیست که در تن و بدن دیگران برود مثل خار نیست تن و بدن دیگران را بگزد .

به پیغمبر آمدند گفتند: "یا رسول الله ! خانمی اهل نماز و اهل روزه هست، اهل مسجد است اما اطرافیانش از زبانش در امان نیستند اطرافیان را با زبانش خیلی می گزد، خیلی تیکه می اندازد ، پیغمبر فرمود: **لَا خَيْرَ فِيهَا**؛ خیری توش نیست **هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ**؛ این اهل عذاب است **هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ**؛ پیغمبر اکرم با یک تعدادی از اصحاب نشسته بود داشت صحبت می کرد یکی از اصحاب متوجه شد که یک جایی قراری دارد یک قولی داده و از این جمع پیغمبر و اصحاب بلند شد و رفت ولی یادش رفت کفشش را بردارد به سمت در رفت یک کسی که کنار نشسته بود متوجه شد او کفشش را جا گذاشته است فوری کفش را زیر خودش گذاشت؛ بنده خدا تا دم در رفت دید

کفشش را نیاورده است برگشت که کفشش را بردارد نگاه کرد دید کفش نیست هر طرفی را نگاه کرد پیدا نکرد ، شخصی که هم که کفش آن فرد را زیر خودش گذاشته بود مدام به افراد دیگر لبخند می زد پیغمبر داشت نگاه می کرد بعد چند لحظه بیشتر نگذشت سه مرتبه پیغمبر اکرم فرمود: **فکیف بروعه المؤمن؟** (کنز العمال ج ۱۷) چطور می تواند آدم یک مؤمنی را دست بیندازد چند لحظه اینطور سرگردانش کنی، تو مؤمنی؟ تو مسلمانی؟ برای خندیدن خودت یک چند لحظه یک مسلمان دیگری را دست می اندازی **کیف بروعه المؤمن**؛ گاهی مواقع ها ماحر فایمان با ادعاهایمان نمی خورد.

عمل به توصیه های دین

مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی که وصفش را شنیدید و می دانید ایشان خیلی غصه میخورد؛ سید جمال الدین اسدآبادی از تفرقه ای که بین مسلمین هست از اختلاف و تفرقه ای که بین ملت های اسلامی هست و همین باعث شده که استعمار برشان غلبه داشته باشد از این جهت خیلی منادی وحدت بود بین مسلمین و خیلی مسافرت هایی داشت چه در کشورهای اسلامی چه در کشورهای غربی خیلی کشورهای غربی را هم دیده بود یک جمله ای سید جمال الدین اسدآبادی دارد من نمیگویم این جمله اش کاملاً درسته انتقاد ندارد این جمله جای نقد دارد اما یک قسمتش به هر حال خالی از واقعیت نیست سید جمال الدین اسدآبادی میگوید من در کشورهای غربی رفتم مسلمان ندیدم ولی اسلام دیدم در کشورهای اسلامی مسلمان دیدم ولی اسلام ندیدم؛ عرض بکنم نمیخواهم بگویم این جمله کامل درسته است جای نقد دارد نه در کشورهای غربی اگر انسان واقعاً چشمش را باز کند درسته در آن جا مسلمان نیست اما این هم نیست که انسان بگوید اسلام هست نه خیلی آن جا آلودگی های باطن هم هست ؛ اگر کسی واقعیت را نگاه کند الان از جهت خانه خانواده از این جهت واقعاً غرب دچار مشکل است دچار بحران است پیوندهای عاطفی در خانواده و در قوم و خویش نیست؛ اما خوبی های آن جا را آدم باید ببیند؛ سید جمال الدین اسدآبادی این را میگوید؛ من آن جا مسلمان ندیدم ولی اسلام دیدم توصیه هایی که دین کرده ما عمل نکردیم؛ من آن جا دیدم نظم هست آنجا دیدم وجدان کاری هست از کار نمی دزدند جنس

بُنجل را غالب نمی کنند؛ وقتی میگویند این جنس درجه یک است یعنی درجه یک است ؛ آن جا رعایت حقوق همدیگر هست قانون پذیری هست.

تطابق اعمال با آموزه های اسلام

اما در کشورهای اسلامی مسلمان دیدم اسلام ندیدم باز من عرض می کنم این جمله نقد دارد ولی یک بخشش خالی از واقعیت نیست ما کشورمان کشور اسلامی هست ؛ واقعاً بازارمان اسلامی است ؛ واقعاً سینماهایمان اسلامی هست ؛ هنرمان اسلامی است ؛ دانشگاههایمان اسلامی است؛ کوچه بازارمان اسلامی است؛ ببینید خودمان هم قبول داریم که گاهی مواقع جوانی می آید می گوید حاج آقا برای چی در کشور ما مثلاً فرض کنید با اینکه ما مسلمان هستیم خشکسالی هست؛ جایی باران نمی آید یا یک جایی باران می آید؛ سیل می شود خرابی می آید، اما آن طرف نه ، قاره سبز و بارندگی زیاد پیش می آید، میگویم؛ عزیز من ! خدا با کسی فامیلی که ندارد خدا براساس یک سنت هایی عالم را اداره می کند براساس یک فرمول هایی بعضی از فرمول های خدا مسلمان و غیرمسلمان ندارد؛ هر کسی رعایت کند برکت می آید؛ برایش مثل صداقت؛

همین که اول صحبت عرض کردم پیغمبر فرمود: اگر کسی صداقت داشته باشد برکت برایش می آید؛ چه نمازخوان باشد چه مشروب خور باشد یعنی این قانون بین المللی است؛ این قانون فقط و فقط مخصوص مسلمین نیست چند تا قانون هستند که بین المللی است یکی اش صداقت؛ یکی اش وفای به عهد؛ اگر کسی وفای به عهد کند هر کسی میخواهد باشد این در زندگیش است ؛ یکی امانتداری است؛ اگر کسی امانتدار خوبی باشد این برکت در زندگیش می آید ؛ هر چی میخواهد باشد، صله رحم چه نمازخوان باشد چه مشروب خور باشد؛ اگر کسی اهل صله رحم و رسیدگی به اطرافیانش باشد عمرش دراز می شود؛ قانون بین المللی است، بعضی از قانون ها و سنت های خدا مخصوص مسلمین نیست، شرطش مسلمان بودن نیست، من به آن می گفتم که خب عزیز من ما ادعای اسلام می کنیم اما در بازار سر همدیگر را کلاه می گذاریم جنس را به عنوان درجه یک مارکش را می زنیم، درجه دو می فروشیم؛ از جنس می دزد آدم فرض کنید در

فلان کار خانه جایی که ماشین درست می کنند، جنسی می گذارد که بعد از یک مدتی بنده خدا را به خطر می اندازد ما این کارا را می کنیم و اسممان را می گذاریم مسلمان ؛ آن وقت برکت از زندگیمان میرود، از خدا گله مند می شویم می گوییم، خدایا چرا باران نمی آید یا اگر جایی باران می آید سیل می شود آدم در عمل مسلمان باشد صادق باشد راست بگوید مسلمان آن کسی هست که اهل رعایت حقوق است، ما چقدر رعایت حقوق دیگران را می کنیم راست میگوییم مسلمانیم، چقدر رعایت حقوق دیگران را می کنیم در روایات ما هست.

بعضی از افراد هستند که دزدی های پنهان در زندگیشان است، سرقت پنهان در زندگیشان؛ اگر کسی خمس به عهده اش هست خمس نمیدهد، این دزدی پنهان است، چون مال امام زمان در مالش هست و نمی دهد، غصب کرده ؛ اگر کسی زکات به عهده اش است نمیدهد، این دزدی پنهان است، چون مال فقرا بر عهده اش است نمی دهد، اگر کسی مهریه همسرش به گردنش است نمی دهد مهریه یک دین است، یک بدهی است، مثل بقیه بدهی ها بدهی است؛ بله از آن طرف به زن گفتند: که تو ببخش! توصیه کردند برای اینکه مهر و محبت زیاد شود ؛ ببخش، اما از آن طرف هم به مرد گفتند حقش است و اگر نبخشید هم حقش می باشد، بدهی است باید بدهی، آگه ندهی این دزدی پنهان است، این ها سرقت های پنهان است، که در روایات اسم برده شده تو روایات ما هست که اگر کسی جنس درجه دو و درجه یک را با همدیگر قاطی کند به عنوان درجه یک بفروشد؛ چایی مثلاً فرض کنید بد و خوب را با هم قاطی کند، مارک چایی خوب بزند برنج درجه دو و درجه یک را قاطی کند، مارک درجه یک بزنی این دزدی است، این ها دزدی های پنهان و حقوقی هست که مؤمنین به گردن ما دارند حقوق خانوادگی یک مسلمان حقوق خانوادگی اش را باید رعایت کند اگر راست می گوید مسلمان هست، حقوق خانوادگی را باید رعایت کند، من عذر میخواهم این مثال ها را دارم می زنم؛ اما چون مبتلا به آن هستیم مبتلا به است، من همین چندی پیش بود در جریان یک طلاق بودم که یک خانمی از شوهرش بعد از پانزده سال زندگی داشت طلاق می گرفت می دانید دلیلش چی بود؟

انسان ابتدا به نظرش میرسد خیلی کوچک است، دلیلش این بود می گفت من دیگر نمیتوانم تحمل کنم، از بوی بد بدن و دهان شوهرم؛ هر چی هم بهش میگویم خودش را درست نمی کند من دیگر نمی توانم تحمل بکنم، حالا من نمی گویم کار خوبی است، ولی ببینید پیغمبراکرم(ص) و همچنین اهل بیت. این حقوق را رعایت نکردند؟

آراستگی ظاهری در دین اسلام

در روایات داریم پیغمبراکرم(ص) پولی که برای عطر می داد بیشتر از پولی بود که برای غذا می داد، امام جواد یک مرتبه یک عطر بسیار خوشبو و گران قیمتی را زده بود، کسی به او اشکال کرد که آقا یک همچنین عطری شما می زنید امام جواد علیه السلام فرمود: پدرم امام رضا را ندیدید، که چه عطری می زد!

پیغمبراکرم(ص) در آن زمان هزار و خورده ای سال پیش در جامعه جاهلی ببینید، پیغمبراکرم(ص) لباس هایشان را در وایات داریم " **کان یقلی ثوبه**؛ لباسهایشان را می جوشاند، تمیز تمیز بود، موهایشان را شانه می زد و می فرمودند: هر کسی مو دارد به موهایش برسد.

-البته نه اینکه از آن طرف بیافتد، زیاده روی کند دو ساعت پای آینه بایستد - بعد پیغمبر می فرمود: اگر کسی مو دارد به موهایش نرسد روز قیامت با شانه های آتشین موهایش را شانه می زنند.

خودش هم هر موقع می خواست بیرون برود، اگر آینه نبود تو آب خودش را می دید درست می کرد موهایش تمیز مرتب بود، یک مسلمان مثل گل می ماند کیف می کند کسی پیشش بنشیند هم ظاهرش قشنگ است، هم باطنش، مسلمان این است که مثل گل می ماند، ببینید چقدر انسان این موارد را رعایت می کند، همین چیزهایی که گاهی مواقع انسان فکر می کند خیلی کوچیک و بی اهمیت است، خیر بلکه خیلی هم با اهمیت است؛ امام صادق(ع) فرمودند: کسی که دهانش را مسواک نزند این فرد را داخل آدم ندانید.

بخدا قسم این دین ماست، دینمان خیلی قشنگ است، به والله قسم مذهبی که ما داریم تو این عالم ببینید روح است؛ ما همه مذاهب را می توانیم مطالعه کنیم، اینکه دیگر چیزی نیست مطالعه کنید به خاطر این است که زیبایی های مکتب ما را هم از جهت عقلی هم از جهت فطری از هر جهت کامل می نماید ؛ خیلی از مواقع ما این را رعایت نمی کنیم، جوان های ما آنچنان که باید و شاید دیندار نیستند؛ یعنی جوان من بچه من وقتی پدرش را می بیند مادرش را می بیند که نمازخوان هست، مسجدی هست، هیئتی است، سینه زن امام حسین هست، مادر محجبه است اما در عین حال اخلاق درستی در خانه ندارد، وقتی در خانه می آید، با یک من غسل هم نمی شود خودش مادرش را می بیند؛ همان مادر محجبه اش را که غیبت از افراد می کند تهمت می زند، نیش می زند؛ این جوان در ذهنش می آید میگوید اگر دین این است، من نمیخواهم!!!

اگر قرار بود این دین کسی را درست کند خودت را درست می کرد؛ نمیخواهم!!!

البته نمیخواهم بگویم پدر و مادر ولی خیلی از اوقات خود پدر و مادر مسلمان که عمل دینی دارند ولی اخلاق دینی ندارند بچه هایشان را زده می کنند؛ عمل دینی دارند اما اخلاق دینی ندارند، بچه هایشان را زده می کنند و إلا اگر عمل به دین بشود، این دین همه را سنگ را عوض می کند.

ادامه بحث جلسه آینده